

سیره پیامبر اکرم در بیت المال

<?xml encoding="UTF-8?">

معنای بیت المال

کلمه بیت المال مرکب از دو واژه «بیت» و «مال»، به معنای خانه دارایی و خزینه مال است. و در اصطلاح به دو معنا می آید: گاهی به معنای اموال عمومی و حکومتی و هر آنچه که مردم به نحوی در آن حق دارند، استعمال می شود و گاهی به معنای مکانی که اموال عمومی در آن نگهداری می شود. معنای اول قائم به اموال است و معنای دوم قائم به مکان است.

با نگاهی در منابع روایی و تاریخی به دست می آید که لفظ بیت المال و استعمال آن در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وجود نداشته است. بلکه این اصطلاح در چند دهه بعد از وفات آن حضرت، خصوصاً در زمان حکومت علی علیه السلام رواج یافته است. بنابراین اگر این اصطلاح در زمان حاضر در مورد اموال عمومی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به کار برده می شود، از باب حکایت از معنای آن خصوصاً معنای اول آن است، نه این که این لفظ در گفتار پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و صحابه در زمان حکومت آن حضرت استعمال شده باشد (1)

سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در اداره بیت المال

گرچه دوران حکومت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و به تبع آن، اداره امور بیت المال از ناحیه آن حضرت، محدود به ده سال بود و از طرفی منابع تامین کننده بیت المال و مصارف آن محدود به مدینه و اطراف آن بوده است، ولی با این حال شیوه آن حضرت در گردآوری، حفظ و نگهداری، تقسیم و مصرف آن در موارد خاص خود دارای جایگاه خاصی است. چه این که سیره علمی و عملی آن حضرت نشان از حضور قطعی قدرت سیاسی و مدیریتی وی در اداره امور مالی مسلمانان می باشد. و این می تواند سرمشق مناسبی برای تمام مدیران بیت المال باشد. همان طور که حضرت علی علیه السلام خود را ملزم به تبعیت از آن حضرت در مدیریت بیت المال می داند و سیره آن حضرت را سرمشق رفتارهای خود قرار می دهد؛ چنانچه می فرماید:

«و انی حاملکم علی منهج نبیکم صلی الله علیه وآله وسلم و منفذ فیکم ما امرت به ان استقمتم لی و بالله المستعان الا ان موضعی من رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بعد وفاته کموضعی منه ایام حیاتہ فامضوا لما تؤمرون و قفوا عند ما تنهون عنه (2)؛ من شما را به راه و روش پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خواهم برد و به آنچه فرمان داده شده ام درباره ی شما عمل خواهم کرد. اگر به آنچه می خواهم [تن سپردید و] مستقیم شدید و [البته] از خدا باید یاری جست. بدانید که موضع من نسبت به رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم پس از رحلت او همچون موضع من در دوران زندگی اوست. پس نسبت به آنچه امر می شوید، ملتزم و نسبت به آنچه نهی می شوید، متوقف شوید.»

و نیز می فرماید: «کان خلیلی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم لا یحبس شیئاً لغد و کان ابوبکر یفعل و قد

رای عمر بن الخطاب فی ذلک ان دون الدواوین و اخر المال من سنة الى سنة و اما انا فاصنع کما صنع خلیلی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ؛ (3) دوستم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چیزی را برای فردا نگه نمی داشت و ابوبکر این کار را می کرد و [اما] عمر بن خطاب در این کار نظر کرده و دفاتر حقوق و عطایا را تدوین کرد و مال را از این سال تا آن سال به تاخیر انداخته [و انبار می کرد] و اما من همان کاری را می کنم که دوست من رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می کردند .»

و باز می فرماید: «محت دواوین العطایا و اعطیت کما کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم یعطی بالسویة و لم اجعلها دولة بین الاغنیاء (4) ؛ دفاتر حقوق و عطایا را [که به دستور عمر طبق ملاک های طبقاتی تعیین شده بود] از بین بردم . و مانند رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که به طور مساوی تقسیم می کرد، آن را به مساوات تقسیم کردم و آن را در دست توانگران قرار ندادم .»

امام صادق علیه السلام نیز بر تاسی از سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تاکید می کند، شیوه آن حضرت را به عنوان حکم خداوند مطرح می کند . نمونه اش جواب از سؤالی درباره نحوه تقسیم بیت المال است که می فرماید: «هذا هو فعل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فی بدو امره (5) ؛ این [تساوی در حقوق] همان شیوه رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در [همان] ابتدای حکومتش است» .

از جمله اوصاف مهدی علیه السلام نیز اداره امور بیت المال به شیوه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم ذکر شده است . عبدالله بن مسعود از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در مورد اوصاف آن حضرت نقل می کند که: «یقسم المال بالسویة و يجعل الله الغنی فی قلوب هذه الامة؛ (6) [مهدی (عج)] مال را طبق مساوات تقسیم می کند و خداوند قلب های این امت را لبریز از بی نیازی خواهد کرد .»

منابع مالی بیت المال

1 - انفال «انفال» عبارت است از هر مالی که اختصاص به مقام نبوت و ولایت امر دارد . (7) «یسنلونک عن الانفال قل الانفال لله وللرسول» ؛ (8) «ای پیامبر! از تو در مورد انفال سؤال می کنند، بگو: انفال مال خدا و رسول اوست .»

زمین های بایر، سواحل دریاها، جنگل ها، کوه ها، اموال پادشاهان، غنائم برجسته و مال بی وارث از مصادیق انفال هستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم طبق مصلحت اسلام و مسلمین، از آن ها بهره برداری و به مصرف می رساند . (9)

2 - خمس «خمس» عبارت است از یک پنجم درآمد سالانه و بعضی اموال دیگر که به حاکم اسلامی تحویل داده می شود .

«واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمس و للرسول ...» ؛ (10) «ای مؤمنان بدانید که هر چه به شما غنیمت رسد خمس آن، مال خدا و رسول اوست» .

منفعت کسب، معدن، گنج، مال حلال مخلوط به حرام، غواصی، غنیمت جنگی و زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد، از مواردی است که خمس به آن تعلق می گیرد . (11) بله در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم طبق تصریح مورخان و مفسران و فقهاء، خمس اختصاص به غنیمت های جنگی داشته است و در غیر آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از مردم خمس نگرفته است . گرچه بعضی از عالمان گفته اند که خمس در زمان

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم اختصاصی به غنایم جنگی نداشته بلکه از مطلق درآمد بوده است، و مستند خود را نامه های آن حضرت به قبایل و عاملان خود در نقاط مختلف محدوده حکومت اسلام قرار داده اند و گفته اند بدون آن که جنگی میان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و قبیله ای باشد و یا قبیله ای به اذن آن حضرت جهادی کرده باشد، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از آن ها مطالبه خمس کرده است، که یک نمونه اش عبارت است از:

نمایندگان اعزامی قبیله «عبد قیس» به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم عرض کردند: میان ما و شما، مشرکان قبیله «مضر» قرار دارند و ما جز ماه های حرام وقت دیگری نمی توانیم به خدمت تو برسیم؛ به ما دستوری بده که اگر به آن عمل کردیم، داخل هشت شویم و دیگران را نیز به آن دعوت کنیم . پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در پاسخ آن ها فرمود: شما را به چهار چیز امر و از چهار چیز نهی می کنم ؛ شما را امر می کنم به این که به خدا ایمان بیاورید . و سپس در مقام توضیح به آن ها فرمود: شهادت به وحدانیت خدا و این که محمد فرستاده اوست، اقامه نماز، دادن زکات و دیگر این که یک پنجم آنچه به دست شما می رسد بپردازید . پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از فرزندان عبد قیس نمی خواست خمس غنایم جنگی را بپردازند؛ زیرا آن ها جهاد نکرده بودند تا غنیمت های جنگی به دست آورند، حتی از ترس مشرکان قبیله «مضر» قادر نبودند جز در ماه های حرام از منطقه ی خود خارج شوند . بنابراین منظور از غنیمت در این گونه از روایات نبوی صلی الله علیه وآله وسلم همان مطلق درآمد است . (12)

به هر حال خمس در زمان آن حضرت، اختصاص به غنیمت ها داشته است و یا به مطلق در آمد تعلق می گرفته، از منابع مهم مالی بیت المال محسوب می شده است . چه این که در طول ده سال حکومت آن حضرت، ده ها جنگ با مشرکان و اهل کتاب اتفاق افتاد که در بیشتر آن ها غنیمت های فراوانی به دست آمد و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خمس آن غنیمت ها را به نفع حکومت اسلامی از جنگجویان اخذ می کرد .

3 - زکات «زکات» نیز یکی از منابع مالی تامین بیت المال در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بوده است که بر گاو ، گوسفند، شتر، خرما، گندم، جو، کشمش، طلا و نقره ی سکه دار تعلق می گیرد . (13)

4 - جزیه «جزیه» یک نوع مالیاتی است که از اهل کتاب در برابر مسئولیتی که دولت اسلامی به منظور تامین امنیت جانی، عرضی و مالی آن ها را به عهده می گیرد، دریافت می شود و طبق مصالحی که حاکم اسلامی معین می کند، مصرف می شود . «قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الاخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الکتاب حتی یعطوا الجزیة عن ید و هم صاغرون» (14) ؛ «ای اهل ایمان، با هر که از اهل کتاب که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده است و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده، حرام نمی داند و به دین حق نمی گروند، کارزار کنید تا آن گاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند» .

5 - خراج «خراج» در اصطلاح فقهی عبارت است از مال الاجاره ای که حاکم اسلامی از طریق اجاره دادن اراضی مفتوح عنوه وصول می کند .

اراضی مفتوح عنوه به زمین هایی گفته می شود که مسلمانان به امر معصوم علیه السلام و به وسیله ی جنگ از کفار می گیرند که شامل باغ ها، تاسیسات و ساختمان های موجود در آن اراضی نیز می شود . (15)

سرزمین خیبر از این قبیل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بعد از فتح و گرفتن آن از دست یهودیان ساکن در سال هفتم هجری بنابر پیشنهاد یهودیان، آن سرزمین را در اختیار یهودیان قرار داد و در عوض، آن ها می باید نیمی از درآمد حاصل از زمین ها و باغ های آن سالانه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بپردازند . (16)

«عبدالله رواحه» که بعدها در جنگ موته به شهادت رسید، هر سال از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای ارزیابی محصول خیبر و تنصیف آن، به آن جا سفر می کرد و او پس از تخمین محصول، سهمیه ی مسلمانان را جدا و به مدینه انتقال می داد . (17)

در مقابل زمین مفتوح عنوه، زمین های طوع یا فیء است زمین هایی است که بدون آن که جنگی در گرفته باشد ساکنان کافر آن زمین ها، آن را رها کرده و یا به میل خود، در اختیار مسلمانان قرار داده باشند . این زمین ها جزو «انفال» و در اختیار امام مسلمین است . (18)

زمین های قبیله ی یهودی بنی نضیر که بدون جنگ با مسلمین و از ترس آنان، به دست مسلمانان افتاد از این قبیل است که طبق آیه قرآن کریم متعلق به شخص پیامبر است و او هر گونه صلاح بداند، در مصالح اسلام صرف کند .

«و ما افاء الله علی رسوله منهم فما اوجفتم علیه من خیل و لا رکاب ولکن الله یسلط رسله علی من یشاء و الله علی کل شیء قذیر . ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله و للرسول ...» (19)

«و آنچه را که خدا از مال آن ها (یهودیان بنی نضیر) بازگشت داد متعلق به رسول اوست که شما سپاهیان اسلام بر آن هیچ اسب و استری نتاختید و لکن خدا، رسولانش را بر هر که بخواهد مسلط می گرداند و خدا بر هر چیز تواناست . و آنچه خدا از اموال کافران دیار به رسول خود غنیمت داد، آن متعلق به خدا و رسول اوست ...» .

سرزمین فدک نیز از همین قبیل است که «یوشع بن نون» رئیس آن سرزمین، آن را به عهده داشت، بدون جنگ و خون ریزی آن جا را تسلیم پیامبر نمود . و طبق فرمان الهی «و آت ذالقربی حقه ...» (20) پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آن را به حضرت فاطمه علیها السلام واگذار نمود . (21)

گردآوری اموال بیت المال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با تدابیر خاص و مدیریت شایسته ی خود، از راه های مختلف به جمع آوری و استحصال اموال بیت المال از منابع آن اقدام می کرد که از جمله ی این راه ها، تشویق مردم به رعایت حقوق بیت المال و ادای حقوق آن و نصب استانداری و مسئولان لایق و کارآمد بوده است و علاوه بر آن، عاملان فراوانی از انصار و مهاجران برای جمع آوری زکات، خمس، خراج و جزیه ی بلاد مختلف گسیل می داشت؛ مثل علی علیه السلام که به سوی نجران، علاء بن حضرمی به بحرین، زیاد بن لبید به حضرموت، ابن ابی امیه به صنعاء، مالک بن نویره به بنی حنظله، بازان به یمن، عدی بن حاتم به طی و بنی اسد، خالد بن سعید به صنعاء، مهاجر بن امیه به کنده، ابوموسی اشعری به زبید و عدن و ساحل و ... گسیل داشت . (22) . که به آن ها «مستوفی» نیز می گفتند . (23)

آن حضرت علاوه بر ارسال کارگزاران برای جمع آوری اموال، مردم را نیز تشویق می کرد تا با آن ها همکاری داشته باشند و در بسیاری از موارد، خود مردم اموال را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تحویل می دادند . (24)

1 - عدم ذخیره سازی اموالی که به دست آن حضرت می رسید اگر حق جنگ جویان و یا فقیران و امثال آن هابود، در اسرع وقت بین آن ها تقسیم می کرد و سعی داشت چیزی از اموال عمومی نزد آن حضرت باقی نماند . غنیمت های جنگی را در همان میدان جنگ تقسیم می کرد ؛ در جنگ خیبر بعد از انجام جنگ، دستور داد تا غنیمت ها را در همان جا گرد آورده و تقسیم کنند . (25) بلکه گاهی صلاح مسلمانان در آن بود که بعد از خروج از میدان جنگ و در محل دیگر، غنیمت ها را تقسیم کنند . نمونه اش جنگ بدر است که آن حضرت با نخستین اختلاف یاران خود در نحوه ی تقسیم غنیمت ها روبه رو گردید، چرا که هر کسی خود را سزاوارتر از دیگری می دانست؛ کسانی که از جان پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم حفاظت کرده بودند عمل خود را مهم تر از عمل دیگری می دانستند و کسانی که در میدان جنگ بودند خود را بر دیگران در استحقاق غنیمت ها مقدم می پنداشتند . در این وقت پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم برای رفع اختلاف و عدم دو دستگی، تمام غنیمت ها را به عبدالله بن کعب سپرد و عده ای را مامور نگهداری و حمل و نقل آن اموال نمود تا این که در نزدیکی مدینه آن ها را به طور مساوی بین رزمندگان تقسیم کرد . (26)

آخرین پولی که به دست آن حضرت رسید 800/000 درهم بود که از بحرین برای ایشان آوردند و آن حضرت از جای برخاست تا این که همه آن اموال را بین مسلمانان تقسیم کرد . (27)

2 - مساوات در تقسیم آن حضرت در تقسیم غنیمت ها و سایر اموال بیت المال، قانون عدل و انصاف را رعایت می کرد و به همه مردم به طور یکسان سهم می داد ؛ امتیازات شخصی، قبیله ای، سنی، سبقت در قبول اسلام، شرکت در جنگ بدر، سفید و سیاه، آزاد و برده و امثال آن ها را در کسب سهم از اموال بیت المال، دخالت نمی داد . (28) بدین وسیله، دیدگاه طبقاتی و مناسبات ستمگرانه ی برخاسته از آن را، باطل اعلام کرد و انسان ها را کنار هم و در یک صف متحد قرار داد .

سعد بن ابی وقاص در تقسیم غنائم بدر به پیامبرصلی الله علیه وآله وسلم اعتراض کرد و گفت: آیا مرا که از اشراف بنی زهره ام، با این آبکش ها و باغبان های یثرب، یکسان می بینی؟ آن حضرت از شنیدن این سخن، سخت آزرده گردید و فرمود: هدف من از این جنگ، حمایت از بیچارگان در برابر زورمندان است . من برای این برانگیخته شدم که تمام تبعیضات و امتیازات موهوم را ریشه کن سازم و تساوی در برابر حقوق را، در میان مردم جای گزین آن نمایم . (29)

3 - محافظت از بیت المال پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم برای حفاظت از بیت المال خصوصا در جنبه ی احقاق حقوق و رعایت حریم آن توسط مردم، شیوه های تبلیغاتی و عملی مختلفی به کار می برد، از جمله:

الف . ابلاغ

آن حضرت برای آن که مردم حقوق بیت المال را رعایت کنند، آنان را با وظایف خود در خصوص بیت المال آشنا می کرد . گاه اصل حکم شرعی را ابلاغ می کرد و گاه تفصیل و جزئیات حکم شرعی را بیان می کرد . (30) و در بعضی اوقات با نامه نگاری به تعلیم احکام و وظائف مردم نسبت به بیت المال می پرداخت، مثل ارسال نامه به سوی سعد هذیم - والی جذام - که در آن احکام زکات تشریح شده و به مردم دستور داده شده است که زکات و خمس را به فرستاده آن حضرت تحویل دهند . (31)

ب . تبشیر و انذار

یکی دیگر از شیوه های آن حضرت در حفاظت از حریم بیت المال و احقاق حقوق آن، بشارت به ثواب و ذکر آثار خوب ادای حقوق بیت المال مثل خمس، زکات و امثال آن است و گاه انذار مسلمانان از تمرد و سرپیچی از انجام وظائف خود نسبت به حقوق بیت المال و ذکر آثار سوء عدم ادای حقوق آن است . (32) پیامبر بعد از فتح خیبر و بعد از جمع آوری غنیمت ها در نقطه ی خاصی، به یکی از رزمندگان دستور داد که بگو: بر هر مسلمانی که غنیمت به دست آورده و اگر چه نخ و سوزنی باشد باید آن را تحویل دهد زیرا خیانت، مایه ننگ در دنیا است و در روز قیامت آتش بر جاننش می شود . (33)

روز حرکت از سرزمین خیبر، ناگهان بر غلامی که مامور بستن کجاوه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بود، تیری اصابت کرد و همان دم جان سپرد . ماموران به جستجو پرداختند، تحقیقات آن ها به جایی نرسید، همگی گفتند: بهشت بر او گوارا باشد . ولی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: من با شما در این جریان، هم عقیده نیستم، زیرا عبايي که بر تن اوست از غنیمت ها بوده و او آن را به خیانت برده و روز قیامت به صورت آتش او را احاطه خواهد کرد . در این لحظه یک نفر از سربازان پیامبر خدای صلی الله علیه و آله وسلم گفت: من دو بند کفش از غنیمت ها بدون اجازه برداشته ام . حضرت فرمود: آن را برگردان و گرنه روز قیامت به صورت آتش در پای تو قرار می گیرد . (34)

و نیز فرمود: «لا تزال امتی بخیر مالم یتخوانوا و ادوا الامانة و اتوا الزکاة و اذا لم یفعلوا ذلک ابتلوا بالقحط و السنین؛ (35) امت من هیچ وقت از خیر و برکت جدا نمی شوند مادامی که به یکدیگر خیانت نکنند و امانت را ادا کنند و زکات [اموالشان را] ادا نمایند و اگر چنین نکردند به قحطی و خشکسالی مبتلا خواهند شد» . و باز فرمود: «خمسة لعنتهم - و کل نبی مجاب - الزائد فی کتاب الله و التارک لسننتی و المکذب بقدر الله و المستحل من عترتی ما حرم الله والمستاثر بالفیء المستحل له (36) ؛ پنج کس اند که من و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای آن ها را لعنت کرده ایم: آن کس که در کتاب خدا آیه ای را زیاد گرداند؛ کسی که سنت و روش مرا رها کند؛ کسی که قضا و قدر خدا را تکذیب کند؛ کسی که حرمت اهل بیت ما را نگه ندارد و کسی که اموال عمومی را به خود منحصر سازد و [تصرف] در آن را به نفع خود حلال شمارد» .

ج . توبیخ و مجازات

آن حضرت متجاوزان به بیت المال را به صورت های مختلف لفظی و عملی، توبیخ و مجازات می کرد . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم مردی از قبیله ازد - که او را ابن لیثیه نیز می گفتند - برای گرفتن زکات طایفه ای از مسلمانان مامور کرد، او ماموریت را انجام داده و اموال را به مدینه نزد پیامبر آورد و به دروغ عرض کرد: این زکات اموال است و این یکی هدیه ای است که به خود من داده اند . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به منبر رفت و پس از حمد خداوند، فرمود: همانا من کسی را برای کاری می فرستم و او می آید و می گوید این، زکات و آن دیگر، هدیه ای است که به من داده اند! پس چرا در خانه ی پدر و مادر خود نمی نشینند تا ببینند آیا هدیه ای برای او می آورند؟ به خدایی که جان من در دست قدرت اوست، کسی که چیزی از زکات را بردارد روز قیامت بر گردن او [به صورت آتش] پیچیده می شود . (37)

آن حضرت پنج نفر را از مسجد بیرون کرد و فرمود: «اخرجوا من مسجدنا لا تصلوا فیه و انتم لا تزکون؛ (38) از مسجد ما خارج شوید و در آن نماز نخوانید چون شما زکات نمی دهید» .

د . طرد افراد نالایق از مسئولیت بیت المال

یکی از یاران آن حضرت عرض کرد: آیا یکی از پست ها را به من واگذار می کنی؟ آن حضرت دست بر شانه او زد و فرمود: «انک ضعیف و انها امانة (و الامانة ثقيلة) و انها يوم القيامة خزي و ندامة الا من اخذها بحقها و ادى الذى عليه فيها (39) ؛ تو ضعیفی و «مسئولیت» ، امانت است [و بار امانت سنگین است] و آن مسئولیت، روز قیامت بدبختی و پشیمانی است مگر آن که به حق گرفته شود و حق آن ادا شود» .

ه . ثبت اموال

آن حضرت برای حفاظت از حریم بیت المال، به ثبت اموال می پرداخت . زبیر و جهم بن صلت را مامور ثبت ورود و خروج زکات کرد همان طور که معیقب بن ابی فاطمه را مامور ثبت اموال غنیمت های جنگی نمود . (40) و نیز اگر قطعه زمین یا چشمه و دیگر اموال غیر منقول را به فرد یا گروهی واگذار می کرد، علاوه بر ثبت آن ها، به آن ها سندی که مجوزی بر حق تصرف آن ها بود، نیز عطا می کرد . (41) که این عمل نشانگر دقت و تدبیر آن حضرت در اداره امور بیت المال و نظم محوری ایشان و اهمیت به حقوق بیت المال می باشد . و گاه ثبت اموال به وسیله علامت گذاری و نشانه گذاشتن بوده است . و آن حضرت شتر و ستوران دیگر را که جزو بیت المال بودند یا خود به وسیله آهن، داغ می زدند و یا با نظارت خود دستور می داد آن ها را داغ بزنند تا از سایر حیوانات که جزو بیت المال نبودند، قابل تشخیص باشند و آن ها را در چراگاه های مخصوص نزدیک بقیع در محلی به نام «حمی» (قرق گاه)، نگاه می داشت تا به مصرف جنگ و یا حقوق ماموران وصول زکات و فقراء و مانند آن برسانند . (42)

و . نصب ماموران حفاظتی

آن حضرت در موارد متعدد، افرادی را مامور حفاظت از اموال بیت المال می نمود . نمونه آن، عبدالله بن کعب و همکاران او هستند که در جنگ بدر و بعد از آن، مامور حفاظت از اموال غنیمتی و خمس بودند . (43)

ز . مبارزه با زمین خواری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم راه دیگری را نیز برای حفاظت از حریم بیت المال پیمود و آن، وضع قوانین جامع و روشن در بهره برداری عموم مردم و قطع دست سودجویان فرصت طلب و زورمداران از دامن بیت المال - خصوصا در بخش انفال - است . آن حضرت اعلام کرد که همه ی مردم در سه چیز شریکند: آب، مرتع و آتش . (44) و باز فرمود: «من احيى ارضا مواتا فهي له ؛ (45) هر کسی زمین بایری را آباد کند، مال خود اوست» . میزان بهره برداری هر کس را بر ملاک استعداد و توانایی او در تولید و فایده رسانی و ارائه خدمات به جامعه قرار داد . و با قانون لغو «حمی» دست زمین خواران را از حریم انفال کوتاه کرد و فرمود: «لا حمى الا لله و لرسوله (46) ؛ هیچ حمایتی نیست مگر برای خداوند و رسولش .»

«حمی» اصطلاحاً به این معناست که یک بخشی از زمین یا مرتع را بدون آن که احیائش کنند و یا سایر شرایط ملکیت را دارا باشند، آن را در قرق خود قرار دهند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، با قانون مذکور، از اختصاص انفال به گروه خاصی همانند زورمداران جلوگیری کرد و آن را در اختیار همه مردم قرار داد . (47)

ح . نظارت عمومی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با ایجاد حس مسئولیت در وجود اقشار مختلف مردم، یک نوع نظارت غیر مستقیم و دائم و همه گیر را ایجاد نمود و فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول ...» (48) ؛ همه شما دیده بان و نگهبان و همه شما مورد سؤال هستید ...»

«نظارت» از ارکان مدیریت به شمار می آید چرا که به وسیله آن، دستگاه ها - از جمله بیت المال - از انحراف و

فساد به دور خواهند بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با نظارت مستقیم و غیر مستقیم، از حریم بیت المال حفاظت نموده، فساد و انحراف را از آن دور کردند .

مصرف بیت المال

اموالی که بیت المال و اموال عمومی محسوب می شود گاهی مورد مصرف آن مشخص است ؛ مانند غنیمت جنگی که مالک آن بعد از جدا کردن خمس آن، رزمندگان اسلام اند و بایستی بین آن ها تقسیم شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بعد از پایان یافتن جنگ ها، این کار را انجام می داد .

و گاهی مورد مصرف آن عام است؛ مثل خمس که مالک آن مقام نبوت است و در مواردی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم مصلحت اسلام و مسلمین را در آن ببیند، هزینه می شود؛ همانند هزینه برای امور زیربنایی، کمک به نیازمندان جامعه و امثال آن ها .

آن حضرت قسمتی از اموال به دست آمده از قبیله بنی نضیر را در جهت تجهیز رزمندگان به اسب و سلاح جنگی، مصرف می کرد . (49) و قسمت دیگری از آن را در جهت فقر زدایی بین مهاجرانی که در مضیقه بودند، تقسیم می کرد . (50)

وگاه از خمس همچون زکات، برای تالیف قلوب و محبت تازه مسلمانان استفاده می کرد . همان طور که خمس غنیمت های به دست آمده از جنگ طائف را میان سران قریش که تازه مسلمان شده بودند، تقسیم کرد از قبیل ابوسفیان، معاویه، حکیم بن حزام، حارث بن حارث، حارث بن هشام، سهیل بن عمرو و عده ی دیگری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم طبق شان هر کدام تعدادی شتر به آن ها عطا کرد . (51)

به طور کلی احتیاجات عمومی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر دو گونه بود: یکی مخارج برنامه های حکومت اسلامی و دیگری بالا بردن سطح زندگی همه مردم که نتیجه آن، ایجاد تعادل و توازن اجتماعی بود . آن حضرت با هزینه صحیح و دقیق بیت المال، عقب ماندگی شدید اقتصادی را که مانع پیشرفت و تحقق اهداف مقدس اسلامی بود، مرتفع ساخت . از این رو نیمی از محصول اراضی خیر را جهت فقرزدایی و نیمی دیگر را برای هزینه های حکومتی از قبیل تجهیز سپاه و هیات های نمایندگی و دیگر مخارج حکومتی به کار برد .

آن حضرت بیت المال را جهت تامین اجتماعی اقشار بی بضاعت به کار برد و اعلام کرد:

«من ترک ضیاعاً فعلی ضیاعه و من ترک دیناً فعلی دینه (52) ؛ هر کس کشتزاری بر جای نهد، محافظت از آن به عهده من است و هر کس مدیون بمیرد، ادای دینش وظیفه من است .»

و باز می فرماید: «هر بدهکاری که نزد والی یی از والیان مسلمین برود و برای والی یی روشن شود که او در ادای دینش ناتوان است، در این جا بر والی مسلمین است که دین او را از اموال مسلمین ادا کند .» (53)

همین طور برای فراهم کردن مقدمات ازدواج جوانان، از بیت المال استفاده می کرد مثلاً پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از اموال خمس - که در اختیار حضرت بود - هزینه ازدواج عبدالمطلب بن ربیع و فضل بن عباس را پرداخت کرد . (54)

مسئولین بیت المال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم مسئولین بیت المال را بر اساس دارا بودن تقوا انتخاب می کرد؛ از این رو هنگام ابلاغ حکم مسئولیت به آن ها بر حفظ تقوا در تمام موارد، تاکید می کرد . همان طور که در عهد نامه خود

به عمرو بن حزم، هنگام گسیل داشتن وی به استانداری یمن و مدیریت بیت المال، او را به رعایت تقوا در انجام وظایفش سفارش می کند . (55) و زهد و پاکدامنی از طمع را که زمینه رعایت حقوق بیت المال و صاحبان حق است، شرط مسئولین بیت المال می داند .

بر شایسته سالاری که از اصولی ترین شرایط برای انتخاب عاملان و کارگزاران است، تاکید فراوان می کند . چنانچه در سیره آن حضرت آمده است که از میان تمام مسلمان ها جوان بیست ساله ای را به نام عتاب بن اسید برای فرمانداری مکه برگزید و فرمانی برایش صادر کرد و به او فرمود: «یا عتاب تدری علی من استعملتک؟ علی اهل الله عزوجل و لو اعلم لهم خیرا منك استعملته علیهم (56) ؛ ای عتاب! آیا می دانی تو را فرماندار کدام گروه قرا دهی؟ بر اهل الله عزوجل (تو را بر اهل حرم خدا و ساکنان مکه والی نمودم . و اگر در میان مسلمانان کسی را برای این مقام شایسته تر از تو می یافتم این کار را به او می سپردم» .

همان طور که می فرماید: «من استعمل عاملا من المسلمین و هو یعلم ان فیهم من هو اولی بذلک منه و اعلم بکتاب الله و سنة نبیه، خان الله و رسوله و جمیع المسلمین ؛ (57) هر کس کارگزاری از مسلمین را به کار بگیرد و حال آن که می داند در بین مسلمانان کسی هست که از او شایسته تر و داناتر به کتاب خدا و سنت رسولش است، به خداوند و رسول او و تمام مسلمانان خیانت کرده است .»

پی نوشت ها :

- 1 - المنجد و لغت نامه دهخدا، واژه بیت المال؛ دائرة المعارف تشیع، ج 3، ص 553، احمد صدر حاج سید جوادی و ... ، مؤسسه ی دائرة المعارف تشیع، 1369، 4 جلدی و دائرة المعارف الاسلامیه، ج 4، ص 379، محمد ثابت الفندی، انتشارات جهان، تهران
- 2 - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 7، ص 36، دارالاحیاء الکتب العربیه، 1378 ه . ق .
- 3 - الغارات، ج 1، ص 47، ابواسحاق کوفی، انجمن آثار ملی، 1354 ش .
- 4 - فروع الکافی، ج 8، ص 51، محمد بن یعقوب کلینی، دارالاضواء، بیروت .
- 5 - وسائل الشیعه، ج 11، ص 8، شیخ حر عاملی، مکتبه الاسلامیه، تهران، 1363 ش، 20 جلدی .
- 6 - بحارالانوار، ج 51، ص 84، محمد باقر مجلسی، داراحیاء التراث العربیه، بیروت .
- 7 - جواهر الکلام، ج 16، ص 116، شیخ محمد حسن نجفی، داراحیاء التراث العربی و مستمسک العروة الوثقی، ج 9، ص 596 .
- 8 - انفال/1 .
- 9 - جواهر الکلام، ج 16، ص 117 و تحریرالوسیله، ج 1، ص 368، امام خمینی رحمه الله .
- 10 - انفال/41 .
- 11 - تحریر الوسیله، ج 1، ص 356 .
- 12 - مبانی حکومت اسلامی، ص 689، جعفر سبحانی، انتشارات توحید، قم .
- 13 - وسائل الشیعه، ج 6، ص 34 .
- 14 - توبه/29 .
- 15 - زمین در فقه اسلامی، ص 99 .

- 16 - فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ج 2، ص 263 .
- 17 - همان، ص 264 .
- 18 - جواهر الکلام، ج 16، ص 116 .
- 19 - حشر/6 و 7 .
- 20 - اسراء/26 .
- 21 - فروغ ابدیت، ج 2، ص 272 .
- 22 - عبقرية الاسلام فی اصول الحكم، ص 43 و 44، منیر عجلائی، دارالنفائس ، بیروت .
- 23 - التراتیب الاداریه، ج 1، ص 410، عبدالحی کتابی، دارالکتب العربی، بیروت .
- 24 - عبقرية الاسلام ... ، ص 44، و فتوح البلدان، ص 81 .
- 25 - فروغ ابدیت، ج 2، ص 261 .
- 26 - الطبقات الكبرى، ج 2، ص 18، محمد بن سعد، دارالصادر، بیروت .
- 27 - المواعظ و الاعتبار، ج 1، ص 148، احمد مقریزی، دارالصادر، بیروت .
- 28 - فروغ ولایت، ص 348، جعفر سبحانی، انتشارات صحیفه، 1368 ش .
- 29 - فروغ ابدیت، ج 1، ص 514 .
- 30 - وسایل الشیعه، ج 6، ص 3 .
- 31 - الطبقات الكبرى، ج 1، ص 270 .
- 32 - وسایل الشیعه، ج 6، ص 13 .
- 33 - سیره ی ابن هشام، ج 3، ص 373 .
- 34 - فروغ ابدیت، ج 2، ص 261 .
- 35 - وسایل الشیعه، ج 6، ص 13 .
- 36 - همان، ج 11، ص 341 .
- 37 - ناسخ التواریخ، ج 3، ص 159، محمدتقی سپهر، مکتبه الاسلامیه، تهران، 1363 ش، 6 جلدی .
- 38 - وسایل الشیعه، ج 6، ص 12 .
- 39 - صحیح مسلم، ج 8، ص 134، مسلم بن حجاج نیشابوری، دارالفکر، بیروت .
- 40 - مکاتیب الرسول، ج 1، ص 21 و 22 .
- 41 - تاریخ سیاسی اسلام، ص 16، رسول جعفریان .
- 42 - تاریخ تمدن اسلام، ج 2، ص 219، جرجی زیدان، امیرکبیر، تهران، 1369 ش، 5 جلدی .
- 43 - التراتیب الاداریه، ج 1، ص 411 .
- 44 - مستدرک الوسائل، ج 17، ص 114، آل البيت .
- 45 - تهذیب الاحکام، ج 7، ص 152، دارالکتب الاسلامیه .
- 46 - مسند احمد بن حنبل، ج 4، ص 38، دارالصادر، بیروت .
- 47 - الاحکام السلطانیه، ج 2، ص 222، محمد بن حسین فراء، دفتر تبلیغات اسلامی، قم .
- 48 - صحیح بخاری، ج 3، باب النکاح .
- 49 - ر . ک: لغة الاداریه العامة فی صدرالاسلام، عبدالسمیع سالم الهراوی، مصر، 1986 م .

- 50 - فتوح البلدان، ص 32 .
- 51 - البداية و النهاية، ج 4، ص 362 .
- 52 - وسایل الشیعه، ج 13، ص 92 .
- 53 - الشئون الاقتصادية فی نصوص الكتاب و السنة، ص 502، جعفر هادی، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اصفهان .
- 54 - تفسیر نمونه، ج 7، ص 185 .
- 55 - فتوح البلدان، ص 81 .
- 56 - اسد الغابة، ج 3، ص 358، ابن اثیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت .
- 57 - الغدير، ج 8، ص 291، عبد الحسین امینی، دارالکتب العربی، بیروت و سنن کبری، احمد بیهقی، ج 10، ص 118، دارالفکر، بیروت .